



## فروتنی روح یادگیری است

تا به حال توجه کرده اید که چطور برخی از افراد به آسانی از شکست هایشان امتیاز می گیرند؟

!آنها از شکست ها و اشتباهات درس می گیرند و حتی بهتر از قبل هم می شوند

.البته در این میان، هستند افرادی که شکست می خورند، از پای در می آیند، و دیگر هرگز مانند قبل نمی شوند

بعد از اینکه آنها مسئله ای چنین منفی را تجربه می کنند، به روشنی می توان شروع پیچ در پیچ عقب نشینی ایشان را مشاهده نمود

اصلاً مهم نیست که شما تا چه حد قصد کمک به آنها را دارید، چون هرگز موفق نخواهید شد، آنها فقط از اشتباهات تان یاد نمی گیرند.



اما تفاوت میان این دو دسته چیست؟

شخصاً معتقدم علت این امر، زمان بندی، جایگاه اجتماعی، میزان بدبختی، یا هر چیز دیگری که خارج از کنترل آنها باشد، نیست

.تفاوت در درون آن هاست: روح یک فرد

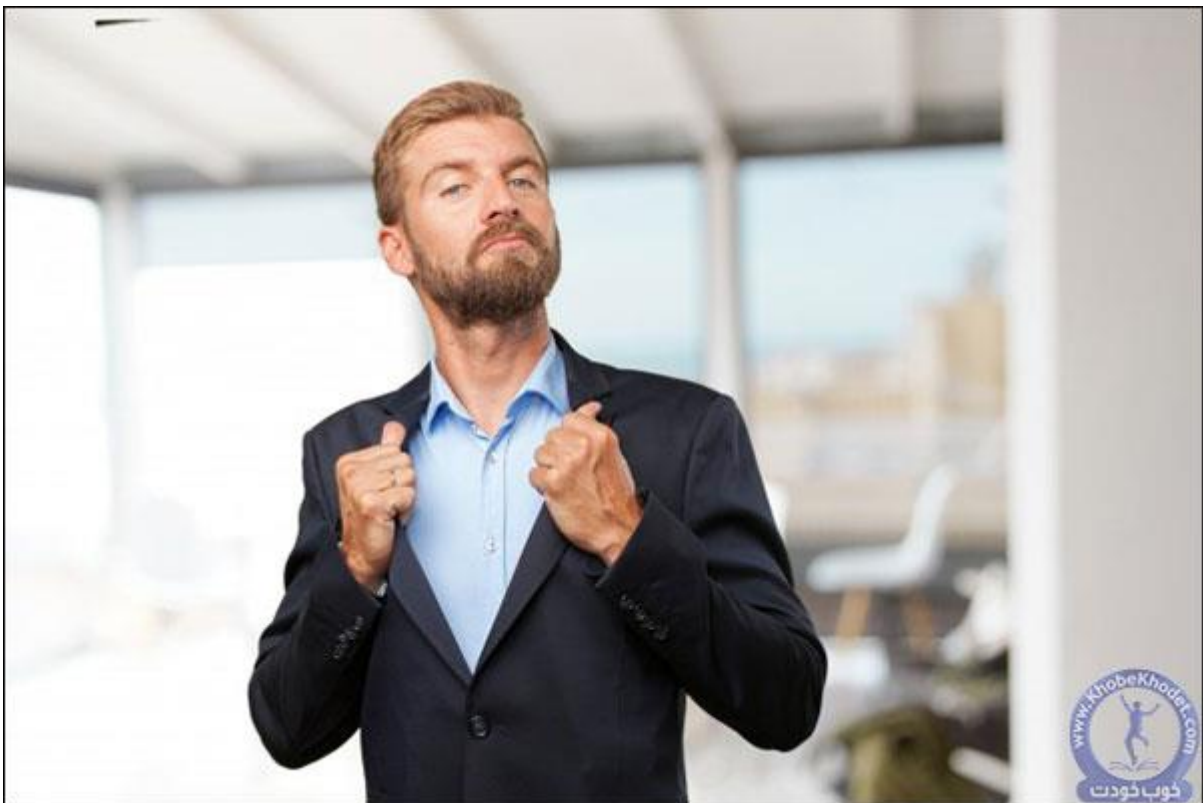


آنهایی که از ناملایمات به بهترین نحو بهره می‌برند، روحیه‌ی تواضع را در خود پرورش داده‌اند و به ایجاد تغییرات ضروری که پیش نیاز یادگیری از اشتباهات، شکست‌ها و مشکلات هستند، تمایل بسیاری دارند.

ایشان نقطه‌ی مقابل اشخاص مغروری هستند که هیچ اشتیاقی ندارند ناملایمات و مشکلات معلم آنها باشند، و در نتیجه، هیچ نخواهند آموخت.

غرور مسبب شکست خواهد بود

تک تک افراد به نوعی ناملایمات زندگی را تجربه می‌کنند. برخی از افراد متواضع و فروتن هستند، اما برخی دیگر سفت و سخت‌اند.



هر جا که می‌روند این روحیه را با خود می‌برند. قضیه برای آنهایی که سخت هستند، فوق‌العاده ترازیک است، چرا که یادگیری برای انسان سخت، شدیداً دشوار است.

غرور، نگران آن است که حق با چه کسی است. تواضع نگران آن است که حق چیست.

این توصیف کاملاً صحیح است. غرور موجب می‌شود افراد خودشان را توجیه کنند، حتی زمانی که می‌دانند اشتباه می‌کنند.

**اکنون نگاهی خواهیم انداخت به اثرات منفی غرور بر یک شخص**

## سرزنش

افراد مغرور به جای قبول مسئولیت، دیگران را سرزنش می کنند. آنها بر این باورند که هر گاه کارهایشان به خوبی پیش نرفت و به مشکل خوردند، حتماً کس دیگری مرتکب اشتباه شده است که دامان ایشان را گرفته است



## انکار

ایشان به جای آنکه واقع بین و واقع نگر باشند، با واقعیت مواجه نمی شوند. ریاست مغرور فلان تجارت یا فلان شرکت تصمیم می گیرد آنچه را که برای همگان معلوم و مشهود است، نادیده بگیرد.

یکی از اعضای مغرور خانواده های غیر عادی، رفتار خودش و دیگران را توجیه می کند.

## کوتاه فکری

افراد مغرور به جای اینکه روشن فکر و پذیرا باشند، ژست دفاعی به خود میگیرند و در مقابل ایده های جدید می ایستند.

آنها می گویند: این همان روشی است که ما همیشه به کار می بردیم. و کمترین علاقه ای به نوآوری و پیشرفت ندارند.



## انعطاف پذیری

اشخاص مغرور به جای اینکه نرم و انعطاف پذیر باشند، خشک و انعطاف ناپذیر هستند. آنها می گویند: این کار را به همان شیوه ی همیشگی انجام می دهم، و نه هیچ شیوه ی دیگری روح گذشته، حتی روح موفقیت هایشان، آنها را شکار می کند و به عقب می کشاند.

## نامنی

اشخاص مغرور خودشان را باد می کنند و به خودشان اهمیت می دهند، اما به دیگران هیچ اهمیتی نمی دهند، فقط به خاطر اینکه احساس نامنی می کنند.

تمام موفقیت ها از آن ایشان و سرزنش ها برای دیگران است.



و هنگامی که چنین اشخاصی رهبری و مدیریت گروهی را بر عهده دارند، به جای افزایش روحیه ی گروه، روحیه ی شان را پایین آورده و تخریب می کنند و بهترین اعضای گروه را از خود می رانند

## انزوا

اشخاص مغرور به جای این که با دیگران در ارتباط باشند، خود را از دسترس دیگران خارج می کنند، چه اعضای خانواده، چه ارباب رجوع و مشتریان، و چه هر کس دیگری

غرور موجب می شود شخص چنین بیندیشد که همه چیز به او مربوط و ختم می شود، در حالیکه واقع امر این است که همه چیز به دیگران مربوط می شود

آیا هیچ یک از این توصیفات در مورد شما صدق می کند؟ و یا کاربرد دارد؟

بنده با کمال تأسف باید بگویم در سالهایی که رسماً کار هدایت گروههای مختلف را بر عهده داشتم، آنقدر تواضع و فروتنی نداشتند که روح یادگیری را در من زنده نگه دارد

در حقیقت، من در نقطه ی مقابل تواضع بودم، من مغرور بودم، اهل مقایسه و رقابت بودم، و همیشه میخواستم پیروز باشم



هنگامی که پیروز می شدم، غیر قابل تحمل می گشتم.  
اگر کسی را می زدم، به او می گفتم که من پیروز شدم  
و به هر کسی که او می شناخت خبر میدادم که پیروزی از آن من بوده است.  
همه را روی لبه پرتگاه نگه می داشتم.

البته بدتر از همه این بود که خودم از این موضوع بی خبر بودم، تا این که دوستانم هدیه ای به من دادند، تی شرتی که  
روی آن نوشته شده بود

وقتی همچون من بزرگ و دست نیافتنی باشی، متواضع بودن، کاری بس دشوار است

دو یا سه سال طول کشید تا این حقیقت کاملاً جامه ی عمل بپوشد

افراد متکبر و بلند پرواز به این زودی ها متواضع و خاشع نمی شوند. اما این آغاز تغییرات در من بود



آرزو داشتیم به حدی از فروتنی برسیم که حس یادگیری و امکان آن در من زنده شود

من همچنان اعتماد به نفس خوبی دارم، اما مدام نگران هستم، که این اعتماد به نفس به مانعی در برابر توانایی یادگیری ام تبدیل شود

شاید طبیعتاً شخصی متواضع هستید که روحیه ی یادگیری نیز در شما پررنگ و فعال است. اگر چنین است که خوشا به حال شما، فوق العاده است

اما اگر این چنین نیستید، خبرهای خوشی برای شما دارم: اگر من خواستم و توانستم، پس شما هم می‌توانید اگر نمی‌دانید در چه سطحی از تواضع ایستاده‌اید

اگر دوستانتان تی شرتی به شما هدیه نکرده‌اند، شاید همین نقطه ی مثبتی برای شما باشد و هر چه بیشتر به شما کمک کند

منبع: جان مکسول